

آیاراهی غیر از تجارت آزاد وجود ندارد؟

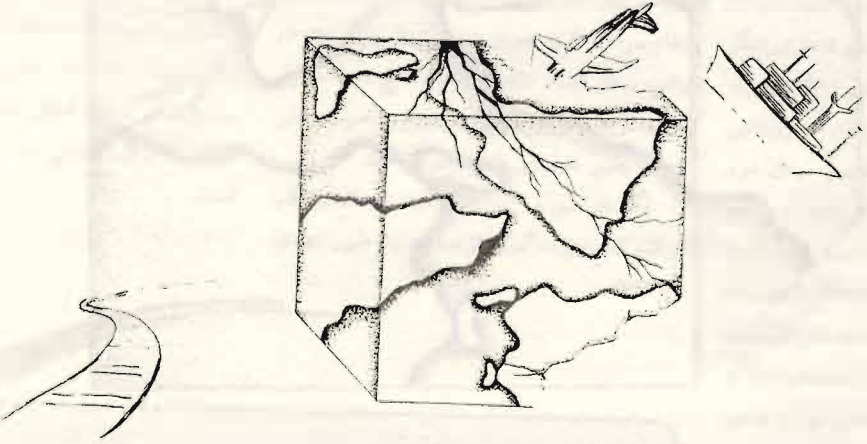
نوشته آرتور مک ایوان ترجمه: پرویز صداقت

امعال کرده‌اند و دولت کنترل کننده‌ای به شیوه‌ای خاص در سیاست اقتصادی آنها بوده است. نویسنده در ادامه، به پیچیدگی اقتصاد جهانی اشاره می‌کند که امر انتخاب بدیلی برای تجارت آزاد را بسیار مشکل می‌سازد. به نظر وی سیاست

مقاله با این بحث آغاز می‌شود که تجربه کشورهای توسعه یافته و جوامعی که با تازگی به این مهم دست یافته‌اند، نشان می‌دهد که دولت در فرآیند توسعه اقتصادی آنها نقش عمده‌ای ایفا کرده است. به عبارت دیگر این کشورها در روند توسعه خود یک بدیل اقتصادی دیگری بر تجارت آزاد

تجارت آزاد که در کشورهای جهان سوم بصورت ایدئولوژی نئولیبرالیزم، صرفاً امری اقتصادی نیست. بنابراین انتخاب بدیل پیامدهای سختی بدنبال دارد. زیرا جهان سرمایه‌داری که خود در دستیابی به توسعه از شیوه کنترل دولتی بهره بسیار گرفت، امروزه به منظور حفظ و گسترش منافع خود با چنین سیاستی از جانب جوامع در حال توسعه مخالفت می‌ورزد. در بخش پایانی مقاله، استراتژی انتخاب سیاستهای آموزش عمومی مناسب‌ترین بدیل هرنوع تجارت آزاد معرفی می‌گردد، که این استراتژی خود دارای ویژگیهای خاصی است.

آیا راهی غیر از تجارت آزاد وجود ندارد؟ برای پاسخ به این پرسش نگاهی به گذشته می‌اندازم. قبل از هر چیز، تاریخ ملل جهان سرشار از بدیلهایی بر تجارت آزاد است. همه‌ی کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، با وضع مقررات وسیع دولت در تجارت خارجی و در مواردی در سرمایه‌گذاری خارجی، به توسعه‌شان دست یافته‌اند. در تاریخ آمریکا، صنعت نساجی با همه‌ی اهمیتش، حیات خود را با حمایت تلویحی در برابر مخصاصاتی آغاز کرد که به جنگ ۱۸۱۲ منجر شد و با آن جنگ ادامه یافت. پس از جنگ، این حمایت به شکل تعرفه استقرار یافت. کشاورزان جنوبی، تا زمان شکست در جنگ داخلی مانع از گسترش کامل تعرفه شدند. پس از آن و در ثلث پایانی سده‌ی نوزدهم با استقرار کامل حماست تعرفه‌بی بود که ایالات متحده گسترش بزرگ صنعتی را تجربه کرد. از میان کشورهای با اقتصاد پیشرفته، آن‌هایی که دیرتر وارد گود شدند، اغلب انکای بسیاری به کنترل دولتی بر روی تجارت خارجی داشته‌اند ژاپن، معجزه‌ی اواخر قرن بیستم، نمونه همه جانبه‌ای است. در دوران پس از جنگ



دوم جهانی دولت ژاپن مانع از تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری و سبب خارجی شد. در عوض به پیشبرد بنگاههای ملی خود پرداخت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دولت ژاپن، نخست با سهمیه‌هایی به شدت محدود کننده و سپس با تعرفه‌های بازدارنده‌ی سنگین، از بنگاههای نوپای اتومبیل‌سازی حمایت کرد. سرمایه‌گذاری خارجی عملاً در ژاپن منع شد. این سرمایه‌گذاری تنها تا آن جا مجاز شمرده می‌شد که در توسعه‌ی صنعت داخلی مشارکت می‌کرد. به علاوه ژاپن، در حمایت از صنعت کامپیوتر خود نیز موفق بود، در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، که این صنعت توسعه می‌یافت. تنها در صورتی که نمونه ژاپنی مناسبی در دست نبود، امکان خرید یک ماشین خارجی وجود داشت. اکنون، که ژاپن به عنوان پویاترین قدرت مالی و اقتصادی جهان سربرمی‌آورد، آیا باید برای یافتن جانشین تجارت آزاد بیشتر جستجو کنیم؟ می‌توان داستانهای مشابهی درباره‌ی تجارت جهان سوم گفت. دست کم در اغلب مواردی که به عنوان موفقیت‌های اقتصادی در جهان سوم جلب توجه می‌کند، مقررات و نظارت دولتی در تجارت خارجی، نقش مهمی ایفا کرده است. بهترین مثال کره‌ی جنوبی است. حتی اگر به تجربه‌ی تلخ مکزیک نگاه کنیم، رشد اساسی، همراه با توسعه‌ی تحت هدایت دولت بود. اگر رشد صفر دهه ۱۹۸۰ در مکزیک زاناشی از نظام کهنه‌ی توسعه‌ی تحت هدایت دولت بدانیم، در کل آن دوره‌ی پنجاه ساله، ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰، رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۵ درصد می‌شود. در برابر این دستاورد، حامیان ارتدکسی^۳ جدید تجارت آزاد برای ما مثالی از موفقیت می‌آورند، زیرا در سال ۱۹۹۱، یک سال، تولید ناخالص داخلی حدود ۵ درصد رشد یافت.

بنابراین، تجربه‌های بسیاری در جهان واقعی وجود دارد که نشان دهنده بدیل‌های موفقیت آمیزی بر تجارت خارجی است. در عمل هیچ تجربه‌ی نیست که نشان دهد تجارت آزاد مسیر رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. در ایالات متحده سده‌ی نوزدهم، لاول^۱ و سایر شهرهای نساجی آن دوران، کانون‌های رشد بودند. آنها نه تنها موجد تقاضا برای پنبه‌ی جنوب بلکه تقاضا برای ماشین‌آلات جدید، تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات قدیمی، قطعات، رنگها، مهارتها، مواد ساختمانی، ماشین‌آلات ساختمانی، تجهیزات برای حرکت مواد خام و محصولات و تعمیر و نگهداری آن تجهیزات، و حتی خالق مهارت‌های بیشتر بودند. سهمی که لاول و شهرهای صنعتی مشابه، به عنوان کانون‌های فعالیت اقتصادی در رشد اقتصادی ایالات متحده داشتند، بسیار فراتر از ارزش منسوجاتی است که تولید می‌کردند.

تجربه لاول، که در شالوده‌ی موفقیت اقتصادی ایالات متحده قرار دارد، روشن می‌کند که چگونه وقتی ما به تولید کالایی مانند منسوجات پنبه‌ای می‌پردازیم، خود را نیز به عنوان یک جامعه بازآفرینی می‌کنیم. ما مهارتها و فرصتها، تکنولوژی‌های نو و اندیشه‌های جدید را خلق می‌کنیم. آن چه امروز انجام می‌دهیم، تعیین می‌کند که چه کسی هستیم و فردا چه می‌توانیم انجام دهیم. بنابراین بهتر است توجه کنیم که امروز چه می‌کنیم. این مسلماً جایگزینی بر تجارت آزاد است. بنابراین، حقیقتاً وقتی با این سؤال مواجه شدم که چه انتخابی غیر از تجارت آزاد وجود دارد، احساس کردم که فردی می‌خواهد خودکشی بکند و می‌پرسد که: آیا انتخاب دیگری نیز وجود دارد؟ به این شخص

تاریخ ملل جهان سرشار از بدیل‌هایی بر تجارت آزاد است. همه کشورهای به اصطلاح توسعه یافته، با وضع مقررات وسیع دولت در تجارت خارجی و در مواردی در سرمایه‌گذاری خارجی، به توسعه‌شان دست یافتند.

سیاست‌گرانی که تجارت آزاد را در نظر می‌گیرند، می‌توانند به انبوهی از موارد توجه کنند که در آنها سیاست‌های حمایت‌گرایانه مانع از فرو رفتن کشورها در تباهی، ناکارآمدی و افت اقتصادی شده است.

در عمل هیچ تجربه‌ای نیست که نشان دهد تجارت آزاد مسیر رشد و توسعه اقتصادی است. همان‌گونه که هیچ نشانه‌ای در دست نداریم که فرد غیرزنده‌ای به شادی دست یافته باشد، هیچ سندی نیز نداریم که کشوری بدون کنترل فعالانه روابط اقتصاد خارجی توسط دولت به موفقیت دست یافته باشد.

می‌توان افراد بسیاری را نشان داد که زنده مانده‌اند، تا به زندگی تیره‌شان خاتمه دهند. سیاست‌گرانی که تجارت آزاد را در نظر می‌گیرند، می‌توانند به انبوهی از موارد توجه کنند که در آنها سیاست‌های حمایت‌گرایانه مانع از فرو رفتن کشورها در تباهی، ناکارآمدی و افت اقتصادی شده است. درست به همین ترتیب که با ادعای خوشبخت بودن همه‌ی افراد زنده از خودکشی اجتناب شد، ساده‌انگارانه است که بگوییم کشوری که فعالانه تجارت خارجی‌اش را کنترل می‌کند، حتماً رفاه خواهد داشت. همان‌گونه که هیچ نشانه‌ای در دست نداریم که فرد غیر زنده‌ی به شادی دست یافته باشد، هیچ سندی نیز نداریم که کشوری بدون کنترل فعالانه روابط اقتصاد خارجی توسط دولت به موفقیت دست یافته باشد.

البته قیاس بین تجارت خارجی و خودکشی، مثل همه‌ی قیاسها، مشکلات خاص خود را دارد.

چنانچه به خاطر این که دست‌یابی به یک زندگی شاد و ارزشمند پیچیده و دشوار است، راه حل ساده‌ی خودکشی توجیه نمی‌شود، صرفاً به این خاطر که دست‌یابی به مجموعه‌ی سودمندی از کنترل‌های سیاسی بر زندگی اقتصادی دشوار است، راه حل ساده‌ی تجارت آزاد توجیه نمی‌شود.

اما در اقتصاد بین‌المللی امروز، بدیل‌های تجارت آزادی واقعاً پیچیده‌تر است، و هیچ کشوری نمی‌تواند تجربه‌ی کشورهای دیگری را که پیش از وی آغاز به حرکت کرده‌اند، بازآفرینی کند. در دهه‌های اخیر، اقتصادی جهانی به گونه‌ای تغییر پیدا کرده است که شکل‌های قدیمی مداخله‌ی سیاسی در اقتصاد را دشوار می‌کند. قبل از هر چیز، محیط

جدید به تمامی سرمایه‌داری است. این محیطی است که در آن هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات کاهش یافته است تا تحرک جدید کالاها و سرمایه را برانگیزد. در نتیجه، اقتصاد بین‌المللی جدید بسیار در وابستگی متقابل و به شدت رقابتی است و در چیرگی و محدودیت شمار نسبتاً کمی از بنگاههای بزرگ قرار دارد، به علاوه بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، کارگران در بخش‌های مختلف جهان مستمراً به رقابت با یکدیگر وادار شده‌اند.

در انتخاب بدیل‌هایی بر تجارت آزاد، باید برای تمامی پیامدها و آثار آن آماده بود. یکی از آثار اجرای چنین برنامه‌یی با سمت‌گیری دموکراتیک و عدالت طلبانه، مخالفت سرسختانه سازمانهای اقتصادی بین‌المللی است.

دیگر ویژگی اقتصاد بین‌المللی جدید نابرابری مفرط است. آمیزه‌ی وابستگی متقابل و نابرابری به معنی آن است که، در چارچوب بازارهای آزاد، اولویتها و سمت‌گیریهای توسعه در تمامی بخشهای جهان، به وسیله‌ی قدرت خرید آنها تعیین می‌شود که در رأس نظام قرار دارند. برای افراد و بنگاههای صاحب ثروت و دولتهایی که نماینده‌ی آنها هستند و برای حفظ و گسترش قدرت و امتیازات آنها تجارت آزاد بسیار سودمند و کارآمد است.

این شرایط ساخت بدیل‌هایی را بر تجارت آزاد دشوار می‌کند، زیرا رویارویی با تمرکز بی‌اندازه‌ی قدرتی که بر اقتصادی بین‌المللی چیره است، مشکل است. در عین حال، همین شرایط، استقرار بدیل‌هایی را بروی تجارت آزاد، بسیار ضروریتر می‌کند. با وجود این، در شکل دادن به این بدیل، باید آگاه بود که این مسئله صرفاً یک موضوع فنی نیست. بلکه چگونگی مدیریت روابط بازرگانی خارجی یک کشور است.

خود تجارت آزاد گوشه‌یی از مجموعه‌ی بزرگتری از سیاستها است، و این سیاستها با یک چارچوب ایدئولوژیک همراه است. در جهان سوم، امروزه این سیاستها و ایدئولوژی زیر برجسب «نئولیبرالیسم» عنوان می‌شود. مجموعه سیاستهای نئولیبرال شامل تجارت آزاد، خصوصی کردن، دسترسی سرمایه‌ی خارجی به حذف مقررات دولتی و کاهش برنامه‌های اجتماعی است. این ایدئولوژی بر مبنای اولویت رشد تعریف می‌شود؛ که باوری است به پویایی بازارها و بخش خصوصی و پذیرش نابرابریها. در عین حال که به دشواری می‌توان گفت مجموعه‌ی این سیاستها بیان منطقی و منسجم این ایدئولوژی است، این مجموعه و ایدئولوژی را باید به عنوان یک کل مشاهده کرد. پس استلال به نفع روشهای دیگر و پیشنهاد این روشها تا اندازه‌یی چالشی با آن کل است. برای مثال، اگر ما نابرابری را نپذیریم، باید تجارت آزاد را نیز به زیر سؤال ببریم. از سوی دیگر، هر بدیلی بر تجارت آزاد باید بدیلی عمومیتری بر سیاستها و ایدئولوژی نئولیبرالیسم ارائه کند.

در تعیین جایگزین‌هایی بر تجارت آزاد، ما باید از سطح وسیع ایدئولوژی آغاز کنیم. چشم‌انداز ایدئولوژیک من بر اولویت عدالت اجتماعی و برابری اقتصادی، حفظ محیط زیست، توان جمعیت در نوآوری و تأمین نیازهای خود و اهمیت عملکرد اجتماعی دموکراتیک به عنوان وسیله‌ی تخصیص نیروهای اقتصادی است. رشد اقتصادی و بخش خصوصی مسلماً وسیله‌هایی برای دستیابی به این اهداف است که با این چشم‌انداز از ایدئولوژیک مشخص می‌شود، اما اینها صرفاً وسیله محسوب می‌شوند.

در حالی که در بیانیه‌ی سیاسی نئولیبرال تعهد به تجارت آزاد هسته‌ی اصلی است، من گسترش آموزش عمومی را به عنوان کانون برنامه‌ی بدیل خودم قرار می‌دهم. این کار را به سه دلیل انجام می‌دهم: یکی این که تأکید کنم نمی‌توان سیاستهای مربوط به بازرگانی خارجی را به تنهایی در نظر گرفت، بلکه آنها بخشی از یک مجموعه‌ی وسیع‌تراند؛ دوم: با انتخاب سیاستهای آموزشی، ما به طور ضمنی، چگونگی ارتباط با بقیه‌ی دنیا را انتخاب می‌کنیم؛ سوم، هیچ سیاستی بهتر از تعهد به گسترش آموزش عمومی اهداف مرکب عدالت اجتماعی و اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد.

یک کشور با انتخاب گسترش آموزش، وجود مشاغل مناسبی در دسترس افراد آموزش دیده را نیز انتخاب می‌کند. روشی وجود ندارد که با آن بتوان، بدون مدیریت بازرگانی، به این امر دست یافت. ورود به اقتصاد بین‌المللی بر مبنای کارگر ارزان کشور و بر مبنای تصمیم‌های مکانی در نیویورک، فرانکفورت و توکیو یک الگوی نئولیبرال است.

در صورتی که ورود به اقتصادی جهانی بر مبنای نیروی کاری با آموزش فزاینده به معنی اداره و هدایت تجارت می باشد.

مطمئن باشید که مدیریت تجاری به معنی تجارت و شاید تجارتنی بسیار گسترده است. حتی کشورهای کوچک بیش از کشورهای بزرگ باید چگونگی ورود به اقتصاد بین المللی را برگزینند اما اگر آنها قصد دارند که فقط هدف محدود رشد را از مجموعه وسیعتر هدف هایی که بر شمرده ام، برآورده کنند. باید چگونگی ورود به بازارهای جهانی را نیز برگزینند.

در انتخاب بدیلهایی بر تجارت آزاد، باید برای تمامی پیامدها و آثار آن آماده بود. یکی از آثار اجرای چنین برنامه ای با سمت گیری دمکراتیک و عدالت طلبانه، مخالفت سرسختانه سازمانهای اقتصادی بین المللی است. همان گونه که اشاره کرده ام، یک جنبه ی اقتصاد جدید بین المللی این است که سرمایه بسیار تحرک پذیر است و هنگامی که برنامه ها تمایلی به هماهنگی با سرمایه نداشته باشد، آنها نه ضرورتاً به عنوان یک واکنش سیاسی یا توطئه گرانه، بلکه به عنوان یک عملکرد اقتصادی برای منافع شخصی پول خود را خارج می کنند. بنابراین، بدیل تجارت آزاد باید، بیش از زمانهای گذشته، شامل کنترلهای سرمایه بی باشد. در عین حال، در صورتی که این برنامه رشد پدید آورد و بازارهای داخلی را گسترش دهد مسلم است که برابری در آمد، به گسترش بازار داخلی می انجامد - کنترل سرمایه ها چندان دشوار به نظر نمی آید و شاید تنها برای یک موردی محدود ضروری باشد.

در ادامه بحث به چگونگی ملاحظات محیطی در این بدیل و همچنین، حفظ مشاغل و اطمینان از این که مردم کار معنی داری خواهند داشت می پردازم، که اجرای اصلی بدیل من هستند. نکته اصلی آن است که: ما نمی توانیم، بدون ارائه کالاها و خدمات بیشتر و بدون کنترل روابط اقتصادی بین المللی خود، مجموعه وسیعی از اهداف اجتماعی را دنبال کنیم.

کنترل سیاسی بر اقتصاد مسلماً شرط لازم تأمین اهداف اقتصادی است. البته مسلم است که شرط کافی نیست و این کنترل صرفاً تحقق چیزهای خوب را امکان پذیر می کند.

بی نویسی ها:

آرتور مک ایوان، از نویسندگان مانلی ریویو و استاد اقتصاد دانشگاه ماساچوست بوستون است. این مقاله دراصل، در کنفرانسی درباره ی آزادسازی اقتصادی و تحول، سیاسی: چشم اندازهایی از افریقا، آسیا و آمریکای لاتین؛ در دانشگاه بلوینگ تون ایندیانا در آوریل ۱۹۹۲ ارائه شده است.

مقاله بالا ترجمه می (با اندکی تلخیص) است از: (1) Alternative (2) Pegulation (3) Ortodoxy (4) lovell

Macewan, Arthur, Alternatives to free Trade: A Critique of New Orthodoxy! MR, No.6 / November 1992

دعوت از همکاران فرهنگی

(ناشران، نویسندگان و مدیران مطبوعات)

نظر به اهمیت کار فرهنگی و نقش آن در توسعه جامعه، این نشریه مصمم است جهت آگاهی اساتید، پژوهشگران و دانشجویان اقدام به معرفی تازه ترین تحقیقات و دستاوردهای محققان، که در راستای فعالیت فرهنگی - علمی نشریه باشد، بنماید. لذا، از تمامی مؤلفان، ناشران و مدیران مطبوعات دعوت می کنیم، در صورت تمایل یک نسخه از جدیدترین کتب و نشریات خود را به آدرس مجله ارسال دارند تا منعکس و معرفی گردد.